

تفسیر روان و ساده قرآن کریم
قسمت بیست و ششم، سوره بقره

ذکر کتاب

درس گفتارهای
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه فرهنگی

شماره ثبت: ۱۶۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

مروری بر جریان های موجود در جامعه

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ
بِمُؤْمِنِينَ﴾^۱ عرض کردیم خدای متعال در این آیات،
سه جریان را می‌خواهد به ما نشان بدهد. یک جریان،
جریان متقین بود. متقین در صدد اقامه حاکمیت
صالحان در جهان هستند که علامت‌شان این است
﴿يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ﴾. اینها کسانی هستند که دنبال اقامه
نمازاند و گفتیم که کامل‌ترین مصداق اقامه نماز این
است که حاکمیت صالحان را در جهان محقق بکنند.

و یک جریان هم جریان کفار بود. اینها صراحتاً در
مقابل جریان متقین می‌ایستند و اعلام می‌کنند که ما
نمی‌گذاریم شما حاکمیت جهانی صالحان و تمدن
الهی و دینی در جهان شکل بدهید. چون این، با منافع

۱. سوره بقره؛ آیه ۸

ما در تضاد است. جریان انقلابی و حاکمیت دینی، دست ما را از منافع مادی، کوتاه می‌کند. پس برای اینکه منافع مادی ما از بین نرود، تا آخرین نفس با شما می‌جنگیم.

و اما جریان خطرناکی هست به نام جریان نفاق. این جریان اگر بخواهد در مقابل متقین و انقلابیون مستقیماً موضع بگیرد، حذف می‌شود. چون می‌داند جریان انقلابیون، قدرت روحی آنها زیاد است. انگیزه‌شان برای کنار زدن موانع، خیلی زیاد است. قدرت ایمان‌شان آنقدر قوی است که هر مانعی را از سر راه‌شان برمی‌دارند. خب باید چکار کنند؟ منافقین می‌گویند برای اینکه بتوانیم منافع مادی خودمان را کسب بکنیم، نباید در مقابل جریان متقین بایستیم، بلکه باید با آنها همراه بشویم. باید در دل جریان متقین نفوذ کنیم و کاری کنیم که خود جامعه دینی، منافع مادی ما را تامین کند. خودش با دست خودش پُست‌های حکومتی را به ما بدهد.

مقایسه روش فریب منافقین با فریب شیطان

شیطان هم وقتی دید که خدای متعال حاکمیت بر جهان را به او نمی‌دهد، گفت خدایا ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَا تُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ﴾^۲ من بندگان را گمراه می‌کنم. یعنی چه؟

۲. سوره ص؛ آیه ۸۲

یعنی کاری می‌کنم که، حاکمیت بر جهان را که تو به من ندادی، اینها خودشان به من بدهند. من گمراه‌شان می‌کنم تا تفکر و گفتمان مرا بپذیرند که خودشان این حاکمیت را بدهند به دست ابرقدرت‌ها. وقتی حاکمیت جهان دست ابرقدرت‌ها افتاد، این من هستم که در نوکِ هَرَمِ حاکمیتِ ابرقدرت، ها حکومت می‌کنم و حکومت، دست من خواهد افتاد. ابلیس برای اینکه به خواسته خودش که حاکمیت بر زمین است برسد، از همین راه وارد می‌شود. منافقین هم همین‌طور. منافقین می‌گویند: ما در جامعه دینی نفوذ می‌کنیم، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنیم و مردم را فریب می‌دهیم. وقتی مردم به ما اعتماد کردند، پُست‌های حکومتی را به ما می‌دهند و ما با در دست گرفتن این پست‌ها، منافع خودمان را تامین می‌کنیم. خب قرآن می‌فرماید که اینها فریب ورزی می‌کنند. یعنی فکر می‌کنند که می‌توانند خدا و مومنین را فریب بدهند ولی در واقع خودشان را فریب می‌دهند.

روش و هدف منافقین در کسب قدرت

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ﴾^۳ خدا ﷻ می‌فرماید: در دل اینها یک مرضی است. آن مرض چیست؟ مرض حب قدرت. قدرت را برای چه می‌خواهند؟ برای تامین منافع مادی‌شان می‌خواهند. به شدت دنبال این هستند تا

۳. سوره بقره؛ آیه ۱۰

قدرت را به دست بیاورند. اما چطور؟ از راه فریب دادن دیگران. این آیات نشان می‌دهد که این جریان، تا حدی موفق می‌شود که نفوذ بکند. چرا؟ چونکه این آیه می‌فرماید ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾^۴ خب اینها آمدند در جامعه و پُست‌هایی هم گرفتند، یک چیزهایی هم در دست گرفتند و در حال اجرای طرح‌ها و برنامه‌های خودشان هستند. اگر به آنها گفته شود که چرا فساد می‌کنید؟ ﴿قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾ ما داریم اصلاح می‌کنیم. ما داریم جامعه را به سمت پیشرفت می‌بریم. این نشان می‌دهد که منافقین نفوذ کرده‌اند و مردم پُست‌هایی را در دست‌شان قرار داده‌اند و متأسفانه اینها را نشناخته‌اند. بعد اینها طرح‌ها و برنامه‌های خودشان را اجرا می‌کنند. وقتی به اینها می‌گوییم چرا طرح‌های غربی و مشرکانه را در جامعه اجرا می‌کنید؟ چرا با نگاه مادی دارید قانون‌گذاری می‌کنید؟ چرا با نگاه مادی، قانون را اعمال و اجرا می‌کنید؟ می‌گویند این فساد نیست، ما داریم اصلاح می‌کنیم.

انواع اصلاح

من اینجا یک توضیحی بدهم؛ اولاً ما دوگونه اصلاح داریم؛ یک اصلاحی که کار انبیاء است و مُقَدَّس. قرآن می‌فرماید، موسی وقتی می‌خواست در کوه طور، با

۴. سوره بقره؛ آیه ۱۱

خدا خلوت کند تا خدا، قانون اساسی حاکمیت دینی را به او بدهد، به هارون گفت: به جای من و در جایگاه من، در قوم بمان و مردم را به خدا دعوت کن. ﴿وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ﴾^۵ و مردم را اصلاح کن. اما در ادامه می‌فرماید: ﴿وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ﴾. آنجا وقتی کلمه اصلاح می‌آید، فوری به موسی و هارون می‌گوید: دنبال راه کسانی را که دنبال فساداند نباش و راه اینها را نرو. یعنی چه؟ یعنی ما دوگونه اصلاح داریم؛ یک اصلاحی که منجر به پیشرفت جامعه و تکامل انسان‌ها می‌شود. و یک اصلاحی که منجر به فساد و خرابی می‌شود.

معیار تشخیص اصلاح مُقَدَّس از اصلاح منافقانه

خب این دو را چطور بشناسیم؟ کدام اصلاح منجر می‌شود به پیشرفت جامعه و تکامل انسان؟ اصلاح رفتارها، همان چیزی است که موسی به هارون فرمود: ﴿اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي﴾. یعنی در قوم من جانشین من باش ﴿وَأَصْلِحْ﴾ یعنی قوم را اصلاح کن. رفتار مردم را طبق الگویی که خدا داده اصلاح کن. اگر رفتار مردم، منطبق با الگوی قوانین الهی اصلاح شد، این جامعه به سمت پیشرفت و تعالی حرکت می‌کند. اما اگر شما کاری به رفتار مردم نداشته باشید و نخواهید رفتار مردم را اصلاح کنید، بجای اینکه رفتار مردم را اصلاح

۵. سوره اعراف؛ آیه ۴۲

کنید تا منطبق با قانون الهی بشود، بیاید قوانین الهی را تغییر بدهید تا منطبق با رفتار مردم بشود. دقت کنید این خیلی مهم است. این اصلاح منافقانه است. اصلاحی که منافقان انجام می‌دهند در جامعه این است که قوانین الهی را می‌خواهند تغییر بدهند تا منطبق بشود با خواهش‌های نفسانی خودشان و مردم.

تفاوت اصلاح امام حسین علیه السلام و اصلاح منافقان

اصلاح رفتارها، اصلاح انبیاء علیهم السلام است، اصلاح امام حسین علیه السلام، اصلاح انبیاء است. فرمود: «**إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِي**»^۶ من خارج شدم تا امت جدم را اصلاح کنم این رفتار مردم غلط است. رفتار مردم فاصله گرفته از قوانین الهی که جامعه رسول الله به اینجا کشیده شده. من می‌خواهم این جامعه را اصلاح کنم. این اصلاح مقدس است. اصلاح انبیاء است. اما منافقان چه اصلاحی دارند؟ منافقان می‌گویند ما آمدیم اصلاح کنیم. مردم که نمی‌دانند که ما دوگونه اصلاح داریم. مردم هرکسی را که ببینند که شعار می‌دهد من اصلاح طلبم، می‌گویند چقدر خوب، ما هم می‌خواهیم اصلاح بشود. جامعه دنبال اصلاح است، اما اصلاح چه چیزی؟ خدا می‌گوید رفتارشان را اصلاح کنید تا رشد کنید. منافقین می‌گویند ما به رفتار مردم کاری نداریم. مردم در رفتارشان آزاد

۶. تسلیة المُجالس؛ ج ۲ ص ۱۶۰

هستند، هرطور می‌خواهند رفتار کنند، ولی ما چه کار می‌کنیم؟ قوانین الهی را تغییر می‌دهیم. طوری دستکاری می‌کنیم که این قانون با رفتار مردم هم بسازد. دقت کنید. این قانون با رفتار مردم تطبیق داده بشود تا مردم احساس نکنند که ما با قوانین الهی در تضاد هستیم. مردم احساس نکنند دارند مخالف قوانین الهی عمل می‌کنند. درواقع مردم هم خدا را می‌خواهند هم خرما را. مردم دوست ندارند که مقابل قوانین الهی باشند. از این طرف هم دوست دارند که هوای نفس‌شان هم اعمال بشود. دوست دارند هر طور دلشان می‌خواهد لباس بپوشند. از سویی دوست ندارند کسی به آنها بگوید شما دارید مخالف امر خدا حرکت می‌کنید. پس چه می‌خواهند؟

جمع بین خواهش‌های نفسانی و قوانین الهی

برای اینکه جمع کنند بین این دو، یعنی هم به خواهش نفس‌شان برسند، هم خودشان را در مقابل قوانین الهی قرار ندهند، نیاز دارند تا یک عده، تفسیر غلطی از قوانین الهی برایشان بکنند. بگویند اینجا که خدا گفته خودتان را بپوشانید، حجابتان کامل باشد، منظور این نیست که حتما چادر داشته باشید. شما اگر یک شال باریک هم داشته باشید روی سرتان بیاندازید، این می‌شود حجاب. اینگونه جمع می‌شود بین قوانین الهی و خواهش نفسانی. هم خودنمایی

می‌کند و بخشی از جاذبه های زنانه خود را نمایش می‌دهد. هم دلش خوش باشد به اینکه من حجاب دارم. این شالی که روی سر دارم حجاب است. من که مخالف امر خدا نیستم. خدا گفته حجاب باشد، من هم حجاب حداقلی دارم.

چرا منافقان در پی تغییر قوانین هستند؟

چرا منافقان دنبال این هستند که قوانین را تغییر بدهند؟ برای اینکه مردم را با خودشان همراه کنند. وقتی آنها قوانین را تغییر دادند و مردم دیدند، تفسیری که این منافقین از آیات قرآن دارند، باب میل مردم است، هم می‌توانند بزنند و برقصند، هم می‌توانند دیندار باشند. نماز سر جای خودش، رقص و آوازِ مُطربِی هم سر جای خودش. پوشش هم، هر طور دلشان می‌خواهد، انتخاب کنند. از طرفی هم به خیال خودشان حجاب هم دارند. دقت فرمودید؟ مردم یک چنین تفسیری را از هر کسی ببینند می‌پسندند. بعد اگر این منافقین بگویند ما کاندیدا شدیم برای ریاست جمهوری به ما رای بدهید، خب مردم به اینها رای می‌دهند. مردم با دست خودشان پست های حکومتی را به اینها می‌دهند و اینها هم با رسیدن به این پست‌ها، منافع خودشان و دوستان و هم حزبی خودشان را تامین می‌کنند. آنگاه اگر حقوق نجومی هم

بدهند، کسی نمی‌گوید چرا؟ چون مردم پشتوانه اینها هستند.

مردم چه کسانی را دوست دارند؟

مردم کسانی را می‌خواهند و دوست دارند، که دین راحت را بر مردم عرضه کنند، یا دین را برای مردم راحت کنند. کسی که بگوید حجاب باید طوری باشد که یک تار مو هم بیرون نباشد، باید چادر باشد یا بگوید پوشیه بزنید، مردم می‌گویند ما خوشمان نمی‌آید، این دین سخت است. ما خدا را قبول داریم، دین را هم قبول داریم. اما دین سخت نمی‌خواهیم. یک دین و قانونی برای ما بیاورید که هم ما بتوانیم آرایش کنیم، هم موهایمان بیرون باشد و هم انداممان را نمایش بدهیم، هم اسمش باشد، حجاب داریم. دینی که هم خدا را داشته باشد هم خرما را. این برای مردم خیلی شیرین است. کسانی که این چنین دینی را به مردم معرفی بکنند مخصوصاً اگر لباس روحانیت هم داشته باشند، مردم اینها را خیلی قبول دارند. موقع رأی دادن هم حتماً به اینها رأی می‌دهند. اینها منافقینی هستند که اینجا قرآن می‌گوید خیلی خطرناک هستند. اینها در ظاهر با زبانشان به مردم می‌گویند ما ایمان به خدا داریم. نمی‌گویند ما کافریم، چون اگر بگویند در قلبمان کافر به خدا و به یوم آخر هستیم، مردم اینها را طرد

می کنند. بدحجاب‌ها هم طردشان می کنند، می گویند این کافر است ما کافر را قبول نداریم. ما دیندار می خواهیم، آخوندی می خواهیم که مثل بقیه آخوندها سخت گیری نکند. نگوید باید چادر داشته باشید، آرایش نکنید. آخوندی که بگوید همین شال باریک هم حجاب است، اشکال ندارد، آرایش هم بکنید. در عروسی‌ها اگر اختلاط هم بود عیب ندارد. اگر شراب هم بعضی خوردند عیب ندارد، ما چنین دینی می خواهیم. کسی که این حرف را بزند، مردم می پسندند به او رای می دهند.

شیوه تبلیغات انتخاباتی منافقان

برای همین موقع انتخابات، عده‌ای از کاندیداها، سریع در مسئله حجاب این حرفها را می زنند، که چه کسی گفته که باید بر مردم فشار بیاری؟ چه کسی گفته باید گشت امر به معروف و نهی از منکر باشد؟ بگذارید مردم آزاد باشند. بگذارید مردم هرطور می خواهند لباس بپوشند. مردم را می ترسانند از اینکه اگر رای بدهید به فلان کاندیدایی که مقابل من است، او اگر بیاید دیوار می کشد و بر شما سخت می گیرد. به من رای بدهید که اگر آمدم بر شما سخت نمی گیرم. ببینید این می شود چه؟ اصلاح منافقانه. اسم این را اصلاح می گذارند. اگر به این منافق بگویید چرا تو داری چنین تفسیر غلطی از حجاب میکنی، این منجر به فساد

می شود؟ ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ﴾. می گویند: ما داریم جامعه را اصلاح می کنیم، اینگونه جامعه به اصلاح می رسد. جامعه اینگونه پیشرفت می کند. شما با برخوردهای خشن و تفسیرهای غلطتان نمی توانید جامعه را اصلاح کنید. ما قبول داریم برخورد خشن بد است. ما طرفدار برخورد خشن نیستیم. اسلام طرفدار برخورد خشن نیست، اما آنها این نسبت ها را می دهند. تهمت های ناجوانمردانه را به متقین می زنند. به مردم می گویند، اگر متقین بیایند، با شما به سختی برخورد می کنند. متقین در پیاده روها، بین شما دیوار می کشند. وقتی چنین وحشتی ایجاد می کنند، مردم به متقین رأی نمی دهند. مردم به منافقینی رأی می دهند که، اسلام راحت الحلقوم برای مردم می خواهند بیاروند.

این همان جریان خطرناک سیاسی است که درباره اش در جلسه بعد بیشتر صحبت می کنیم.
و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.